

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال 1376 - 1 / فروردین / 1376

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یا مقلب القلوب والابصار. یا مدبراللیل والنهار. یا محوّل الحول والاحوال. حوّل حالنا الی احسن الحال (1)

عید نوروز امسال، با یک عید بزرگ و گرامی دیگر مصادف است که عبارت از ولادت با سعادت حضرت ثامن الائمه علیه الصلّٰة والسّلام است. مردم شریف ایران به خاطر قرب جوار، نسبت به این بزرگوار تعلق خاطر مخصوصی دارند و شیعیان همه عالم، بلکه همه مسلمین عالم، از این جهت بر مردم ایران غبطه می‌برند و ایران - بخصوص مشهد مقدّس - را قبله آمال خود قرار می‌دهند.

هر دو عید بزرگ را - هم عید نوروز که عید تازگی و طراوت و شادی زمین و زمان است وهم این ولادت بزرگ که عید مذهبی و دینی و اخلاقی و معنوی و عید تاریخی است - به همه ملت شریف و عزیزمان و به ایرانیانی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند؛ مخصوصاً به خانواده‌های معظم شهیدان عالیقدر و به جانبازان عزیز و آزادگان و مفقودان و خانواده‌های آنها - که امیدواریم ان شاءالله. از مفقودان عزیز ما هم هر چه زودتر خبری به خانواده‌های آنها برسد تبریک عرض می‌کنم. همچنین عید نوروز را به ملت‌های دیگری که برای این عید و آغاز بهار، اهمیتی قائل هستند و آن را عید می‌شمارند - مثل کشورهای آسیای میانه و بعضی کشورهای دیگر - تبریک عرض می‌کنم.

امیدوارم این سال جدید که با چنین روزی آغاز می‌شود، برای ملت ما سال مبارک و به معنای حقیقی کلمه سال نیکی باشد. البته مبارکی یک سال برای یک ملت، فقط به جنبه‌های مادی آن سال نیست؛ گاهی جنبه‌های معنوی اهمیت بیشتری دارند. اگر ملتی بتواند یک تحوّل اخلاقی در خود به وجود آورد؛ اگر بتواند رذایل اخلاقی را از درون خود پاکسازی کند و خود را به فضایل اخلاقی آراسته سازد، حقیقتاً برای آن ملت عید است. شاید اساساً قرار دادن اعیاد - چه اعیاد ملی و چه اعیاد دینی و مذهبی - برای ایجاد چنین تحولاتی در درون انسان‌هاست.

خوشبختانه در این سال‌های اخیر، ملت ما از لحاظ معنوی، پیشرفتهای زیادی کرده‌اند. اقبال به معنویات، اقبال به دین و عبادت، توجه به ذکر و حضور و خشوع و به نماز و روزه و به طاعت حق و تقرب به پروردگار در بین ملت ما؛ بخصوص جوانانمان رایج و شایع شده است؛ ولی تحوّل اخلاقی، فقط این نیست. شاید بشود گفت که تحوّل اخلاقی برای ملت، دشوارتر هم هست و به همین جهت، در باب تحوّل اخلاقی هم مخاطب اوّل و مسؤول اوّل جوانان هستند که برای آنها همه کارها آسانتر و راحت‌تر است. دل‌های جوانان، نورانی است و فطرت‌های آنان، سالم و دست نخورده است. آلودگی آنان به زخارف و آلودگی‌های دنیا؛ به بندهای گرانی که پولدوستی و مالدوستی و جاه‌طلبی و قدرت‌طلبی و این چیزها بر پای انسان می‌زند، خیلی کمتر است؛ لذا تحوّل اخلاقی در جوانان آسانتر است. البته میانسالها، بلکه کمسالها هم نباید از امکان تحوّل اخلاقی در خودشان مأیوس باشند. تحوّل اخلاقی، یعنی این که انسان هر رذیلت اخلاقی را - هر اخلاق زشت، هر روحیه بد و ناپسندی که موجب آزار دیگران یا عقب‌ماندگی خود انسان است - کنار بگذارد و خویشتن را به فضایل و زیبایی‌های اخلاقی، آراسته کند. در جامعه‌ای که حقد و بددلی و کینه نباشد، اگر کسانی صاحب فکرند، آن فکر را در راه توطئه برای دیگران و تقلب با دیگران و خدعه در کار دیگران به کار نبرند؛ اگر کسانی دارای سواد و معلوماتند، آن را در راه ضرر زدن به مردم و کمک کردن به دشمنان مردم به کار نبرند؛ بلکه همه افراد انسان در یک جامعه، نسبت به یکدیگر خیرخواه باشند، به هم کینه نوزند، به هم حقد و حسد نداشته باشند، به بهای نابودی دیگران، زندگی خود را سروسامان ندهند و دست یافتن به همه چیز را نخواهند.

این تحول اخلاقی است و حداقل قضیه است.

در جامعه‌ای که بد عمل کردن نسبت به محرومان با بی‌اعتنا بودن نسبت به آنان همراه نباشد؛ مال مردم خوردن وجود نداشته باشد؛ اگر خلقیات اسلامی - همان چیزهایی که در اسلام برای یک انسان فضیلت است، همان چیزهایی که به تعبیر روایات، جنود عقل است (2) - رواج پیدا کند؛ مردم اهل صبر و استقامت باشند؛ اهل توکل و تواضع و حلم باشند، نسبت به یکدیگر بدبین نباشند؛ نسبت به احوال یکدیگر بی‌تفاوت نباشند؛ نسبت به سرنوشت جامعه قناعت وجود داشته باشد؛ زیاده‌روی و اسراف و ریخت و پاش و این چیزها نباشد و نشانی از حرص و افزون طلبی در امور مادی نباشد، این جامعه به بهشت و گلستان تبدیل می‌شود. گرفتاری امروز مردم دنیا، حتی کشورهای ثروتمند و پیشرفته، این چیزهاست. تهیدستی از اخلاقیات است که انسانیت را امروز در دنیا پریشان کرده است.

ملت ما به برکت اسلام، به برکت سنن کهن خود و به برکت فضایل اخلاقی که در او وجود دارد، بحمدالله مقداری از این پریشانی جهانی بر کنار مانده است و غالب ملت‌های مسلمان نیز به برکت اسلام، امتیازاتی را دارند. البته این به معنای آن نیست که ما کمال اخلاقی داریم؛ نه. نقص‌های زیادی در ما هست، کمبودهای زیادی در ما وجود دارد که باید این کمبودها را جبران و برطرف کنیم. تنبلی، نومیدی، بی‌حوصلگی، بهانه‌جویی نسبت به انسان‌های دیگر و همان خصال ناپسندی را که قبلاً اشاره کردم، هر کدام در ما هست، باید دور بریزیم. این، یک مبارزه و مجاهدت است.

جوان، به طور طبیعی اهل هم‌اورد طلبی است. بسیار خوب؛ هم‌اورد مورد علاقه ما که می‌خواهیم جوانان با آن دست و پنجه نرم کنند، نفس اماره است که انسان را به پستیها و زشتیها دعوت می‌کند و او را از عروج و تکامل باز می‌دارد. جوانان باید در مقابل شهوات و هوسهایشان و در مقابل همه انگیزه‌هایی که آنان را به چنین رذایلی فرا می‌خواند، مقاومت کنند. جوانان در درجه اول قرار دارند و غیر جوانان نیز همین‌طورند. بر همه واجب است، بر امثال من هم واجب است؛ بلکه بیش از دیگران واجب است کسانی که مسؤولند؛ کسانی که مأموریت بزرگی را بر عهده گرفته‌اند و کسانی که تصمیم و اقدام و حرکت و رفتار آنان، فقط رفتار یک شخص نیست؛ بلکه رفتار یک مجموعه است، رفتار یک جامعه است و گاهی در چشم دیگران، رفتار یک کشور است، باید خیلی مراقبت کنند. آنان بیش از دیگران مخاطب به خطاب الهی‌اند و موظف به این هستند که دعای شریف «حوّل حالنا الی احسن الحال» را در خودشان تحقق بخشند.

عزیزان من؛ ملت شریف ایران! درست است که تحول را در حقیقت خدا به وجود می‌آورد و لذا در این دعا ما از خدا می‌خواهیم که «حوّل حالنا الی احسن الحال»؛ یعنی حال ما را به بهترین حالت تبدیل کند؛ اما در همه دعاها این طور است که از سوی انسان، تلاش و حرکت و همت لازم است. همه باید در اقدام، در عمل و در خوب کردن خود، همت بگذارند. در زمینه مسائل اجتماعی نیز همین‌طور است. امروز دوران ما، دوران بنای نوین کشور اسلامی ماست. ما باید از نو ایران را بسازیم؛ به همان شکلی که شایسته ملت بزرگ ایران است؛ به همان شکلی که اسلام از ما خواسته است که ما خانه و کشور و جامعه خود را بسازیم؛ به طوری که ویرانیهای وارد شده بر آن - ویرانیهای جنگ، ویرانیهای دوران ستمشاهی و دوران تسلط حاکمان و زمامداران فاسد و مفسد و وابسته - برطرف شود. ویرانیهای کشور را ما باید بسازیم. ما باید کشورمان را از نو بنا کنیم؛ اما بنای ایران، فقط به معنای ترمیم ویرانیها نیست؛ بلکه باید همه چیز را که خدای متعال در این کشور به ودیعه گذاشته است، احیا کنیم و در اختیار نسل کنونی و نسل آینده قرار دهیم. منابع طبیعی، منابع انسانی، امکانات اجتماعی، طبیعت نیکویی که در اختیار ماست، میراث عظیمی که گذشتگانمان در اختیار ما گذاشته‌اند و خیلی از امکانات دیگری که هست را، باید احیا کنیم و در واقع نعم الهی را استخراج نماییم. امید که سال جدید، برای این گونه کارها سال مبارکی باشد.

در اوایل امسال، مسأله مهمی در مقابل مردم ماست که آن، مسأله انتخابات ریاست جمهوری است. من از همه ملت ایران تقاضا می‌کنم که با روشن‌بینی و هوشمندی و تیزبینی خود به این مسأله به صورت یک مسأله ملی و تاریخی نگاه کنند و آن را دست کم نگیرند. البته در شروع انتخابات، بخصوص در تبلیغات، هر کسی و هر جمعیتی گزینه‌ای دارند؛ کسی را می‌خواهند انتخاب کنند و او را بر دیگران ترجیح می‌دهند. این جا، جای خطرناکی است و میدانی است برای این که خدای نکرده صفات بد در انسان بروز پیدا کند. این، خطری در راه انتخابات است که یک تجربه بزرگ محسوب می‌شود. همه با همت؛ اما با حسن خلق و روشن‌بینی و امید و روی خوش و دل خوش با این قضیه مواجه شوند؛ آرای زیادی را در صندوقها بریزند و رئیس‌جمهور را با رأی بالایی ان‌شاءالله انتخاب کنند تا دولت و رئیس‌جمهور آینده، دستشان باز باشد و بتوانند با پشتوانه عظیم آرای ملت، کشور را بسازند و دیگرانی که در بیرون از مرزها همیشه منتظرند تا نقص کوچکی در ملت ما ببینند و آن را چند برابر بزرگ کنند، آنها هم از این که بتوانند این کار را انجام دهند، مأیوس شوند.

من امسال می‌خواهم مثل سالهای قبل، به همه مردم یک سفارش بکنم. بحمدالله سفارشهایی که شده، مورد توجه قرار گرفته است. هم مردم توجه کرده‌اند و هم مسؤولان، و من توقعم از هر دو است؛ هم از مردم و هم از مسؤولان. من می‌خواهم به مردم عزیزمان عرض کنم که امسال همه سعی کنند اسراف را کنار بگذارند. متأسفانه در زندگیهای ما اسراف وجود دارد. اسراف یعنی تضييع نعمت الهی؛ یعنی نشناختن قدر نعمت الهی. البته بیشتر، مخاطب ما در این سخن، افراد متمکنند. افرادی که تهیدنتست یا متوسطند، به نظر می‌رسد که کمتر اسراف می‌کنند؛ اگر چه در بین آنها هم بعضاً اسراف هست. کنار گذاشتن اسراف در چیزهایی که به نظر کوچک می‌آید؛ مثل اسراف در مصرف بی‌رویه آب، ضروری است. امسال قدری بارندگی کمتر بوده است که اقتضا می‌کند صرفه‌جویی بیشتری بشود. البته بحمدالله آینده بدی در انتظار ما نیست. همه چیز بحمدالله و به فضل الهی، برطبق مصلحت ملت ایران پیش خواهد رفت؛ لیکن ما وظیفه داریم که زندگی خود را بر طبق آنچه که دین از ما خواسته است و عقل سلیم از ما می‌طلبد، تنظیم کنیم. اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در مواد غذایی، اسراف در وسایل زندگی، زیاده‌روی، زیاد خریدن، زیاد مصرف کردن، دور ریختن چیزهایی که قابل استفاده است، اینها تضييع نعمت خداست.

در آمارها می‌خوانیم و همه شما هم حتماً اطلاع دارید که بخش عظیمی از این گندمی که با این همه زحمت و مرارت دهقان و کشاورز ایرانی به وجود می‌آید و خریداری می‌گردد و بعد آرد می‌شود و از آن نان تهیه می‌گردد، متأسفانه دور ریخته می‌شود. من نمی‌خواهم درصد معین کنم؛ اما مسؤولان رقمهای خیلی بالا و وحشت‌آوری از مقدار نانی که مثلاً دور ریخته می‌شود، ذکر می‌کنند.

این فقط یک مثال است؛ اما در همه امور ما باید به صرفه‌جویی عادت کنیم. صرفه‌جویی، یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می‌توانیم از آن استفاده کنیم، دور نریزیم. نسبت به امکانات، با هوس رفتار نکنیم. دائماً چیزهای ماندگار را نو کردن و چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن، روش درستی نیست. به نظر من باید مسؤولان کشور، راه صرفه‌جویی و مقابله با اسراف را به مردم بیاموزند. من به صورت کلی این را عرض می‌کنم. خود مسؤولان دولتی هم نباید اسراف کنند. اسراف مسؤولان دولتی، از اسراف مردم عادی مضرت‌تر است؛ زیرا که این اسراف در بیت‌المال است. بنابراین مسؤولان، فهرستی از مثالهای صرفه‌جویی و اجتناب از اسراف را ردیف کنند و آن را به مردم بگویند و تعلیم دهند که چگونه می‌شود صرفه‌جویی کرد.

سالی که گذراندیم، سالی پرکار و پرتلاش و سال عزت هم برای ملت و هم برای دولت بود. علی‌رغم این که در سال گذشته، همه دستگاههای استکبار و همه بوقهای تبلیغاتی، علیه ملت ایران تبلیغات و تهدیدها کردند؛ حرفها زدند و خوابهای آشفته‌ای را که دیده بودند، برای ملت ایران بر زبان آوردند، بحمدالله با قوت و ایستادگی و حضور شما و با

راهپیماییهای عظیمتان در ماه رمضان و بیست و دوم بهمن و در مراسم گوناگون دیگر و حمایت شما از نظام و مسؤولان، همه این نقشه‌ها خنثی شد. حضور ملت، معجزه‌گر است و آثار آن، معجزه‌آساست و حقیقتاً تأثیرات مثبتی می‌بخشد.

سال پرتلاش و پرکاری بود. در میدان سازندگی‌کار دارای پیشرفت بود. برای ملت هم کار پرحجمی وجود داشت. برای مسؤولان هم همین‌طور. بحمدالله سال خوبی بود؛ سال پیشرفتهای بزرگ، سال عزت بین‌المللی، سال امید مردم، سال اتحاد و همبستگی مردم که در این اجتماعات عظیمشان پیدا شد. امیدواریم امسال هم از این جهاتی که گفته شد، مثل سال گذشته باشد؛ بلکه پیشرفتهایی هم داشته باشیم.

در سال گذشته متأسفانه حادثه زلزله را داشتیم که نه فقط برای مناطق زلزله‌زده - مثل اردبیل و بجنورد - بلکه برای همه ملت ایران که دردهای هم‌میهنانشان و دردهای مسلمانان برای آنها مایه آزار و ناراحتی است، تلخ بود. من امیدوارم که خدای متعال برای این بخش از کشور ما که دچار آفت زلزله شد، خیر اراده فرموده باشد و به ساکنان آن خیر بدهد. می‌خواهم از ملت عزیزمان خواهش کنم، همان‌طور که تا بحال بحمدالله در راه کمک به زلزله‌زدگان و آسیب‌دیدگان خوب عمل کرده‌اند، باز هم این کمکها را ادامه دهند. این، همدردی است و لازم است. امیدواریم خداوند متعال، روح مقدس امام عزیز و بزرگوار راحل عظیم‌الشان ما را که این راه و این درسها را به ما تعلیم داد، شاد فرماید و درجات آن بزرگوار را در اعلی‌علیین با اولیاء خودش قرار دهد.

من مجدداً همه شما ملت عزیز را به خدا می‌سپارم و برای همه‌تان شادی و بهروزی و خوشبختی و پیشرفت در همه کارها را - چه مادی و چه معنوی - از خدای بزرگ مسألت می‌کنم.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(1) زادالمعاد، ص 531

(2) تحف‌العقول، ص 401